

هیا هوی شاهدان عینی

شاه عباس صفوی به شیخ بهایی عالم پرآوازه عصر خود پیشنهاد قاضی القضاتی داد. شیخ یک هفته مهلت خواست و سناریویی ترتیب داد. او به مصلاي حومه شهر رفت و خود را برای اقامه نماز آماده کرد. در همین حال رهگذری شیخ را دید و شناخت و نزد او آمد. بعد از احوالپرسی شیخ رو به او کرد و گفت مرگ من فرارسیده و حین نماز زمین من را می بلعد! شما که جرئت دیدن عزرائیل را نداری چشمهات را روی هم بگذار و هفتاد بار قل هو الله احد بخوان. وقتی در زمین فرو رفتم، الاغ و عصای من را ببر.

شیخ عمامه را در جای نماز بر زمین گذاشت و خود را در کوچه های شهر مخفی کرده و به منزل رفت. او به اهل منزل گفت هر کس سراغم را گرفت بگویند به مصلی رفته و برنگشته! رهگذر وقتی چشمهات را باز کرد. عمامه شیخ را دید و الاغ و عصای او را با خود برد. در تمام شهر شایعه شد، که شیخ بهایی در زمین فرورفته است! فردای آن روز قبل از طلوع آفتاب شیخ به صورت غیرمترقبه به دیدن شاه عباس رفت. شاه تا شیخ را دید گفت: چیز مهمی اتفاق افتاده؟ گفت آری. می خواهم کوتاهی عقل شهود درباره ناپدید شدن من را ببینی!

به دستور شاه مردم در میدان شاه، مسجد شاه و عمارت عالی قاپو جمع شدند، جمعیت به قدری بود که راه عبور بسته شد، لذا از طرف رئیس تشریفات امر شد که از هر محلی یک نفر شخص متدین، فاضل، مسن و عادل برای شهادت تعیین کنند تا به نمایندگی مردم آن محل به حضور شاه بیاید و درباره فقدان شیخ بهایی شهادت بدهند. بدین ترتیب 17 نفر شخص معتمد و واجد شرایط از 17 محله آن زمان اصفهان تعیین شدند و چون به حضور شاه رسیدند، هر کدام به ترتیب گفتند: به چشم خود دیدم که چگونه زمین شیخ را بلعید! دیگری گفت: خیلی وحشتناک بود ناگهان زمین دهان باز کرد و شیخ را مثل یک لقمه غذا در خود فرو برد! سومی گفت: به تاج شاه قسم که دیدم چگونه شیخ التماس می کرد و به درگاه خدا گریه و زاری می نمود. چهارمی گفت: خدا را شاهد می گیرم که دیدم شیخ تا کمر در خاک فرو رفته بود و چشمانش از شدت فشاری که بر سینه اش وارد می آمد از کاسه سر بیرون آمده بود. شاه عباس این روایات را شنید. شیخ رو به او کرد و گفت اگر من قاضی القضات شوم این افراد بناست در موارد محاکمه به عنوان شاهد عینی شهادت دهند و پیشنهاد شاه را نپذیرفت. (منبع سایت تبیان).

این روایت تاریخی مصداق خوبی برای تحریف اخبار در رسانه های جمعی است. گزارش بسیاری از رویدادها بعد از وقوع آنها تهیه می شود. در چنین رخدادهایی که خبرنگاران شاهد عینی نیستند بناچار برای گردآوری اطلاعات و باورپذیری روایت خود دست به دامان شاهدان عینی می شوند.

شاهدان تفسیر منحصر بفرد و سلیقه خود از رویداد را دارند و تحت تاثیر دستگاه ادراکی خود واقعیات را صورت بندی می کنند. پاره ای یک کلاغ و چهل کلاغ کرده و راست و دروغ را بهم می بافند و تفسیر تحریف شده خود از رویداد را بنام واقعیت جلوه می دهند. پاره ای به قول جوونا کم نمی آرند و خود را مطلع جلوه داده و بدون اطلاع مبادرت به اظهار نظر می کنند!

اگر شاهدان عینی آگاهی و تجربه کمتری درباره رویداد داشته باشند، نسبت درستی بین واقعیت و روایت گزارش شده کاهش یافته و اعتبار آن مخدوش خواهد شد. افزون بر اینها در مواردی شاهدان عینی به دلایل منافع شخصی از بیان آنچه دیده و شنیده اند اکراه دارند. مزید بر اینها گزارشگران به انتخاب شاهدان عینی همسو با گرایش سیاسی و اجتماعی خود علاقمند هستند که موجب سوگیری و کاهش سطح عینیت گزارش می شود.

در روزنامه نگاری حرفه ای در گزارش های پس رویدادی، برای پرهیز از چنین خطاهایی با کارشناسان حرفه ای مرتبط با موضوع رویداد که دارای دانش و تجربه خوب هستند مصاحبه می شود. در غیاب کارشناسان مجرب "گزارشگران و خبرنگاران بویژه در موضوعات چالش برانگیز با شاهدان عینی موافق و مخالف مصاحبه کرده و دوری را به افکار عمومی واگذار می کنند.

شاهد عینی در غیاب خبرنگار، نقش اجتماعی او را ایفا می کند و در واقع چشم و گوش شهروندان محسوب می شود. از اینرو باید مطلع، دقیق و با انصاف بوده و مسئولانه اظهار نظر کند. اطلاعات او چه بسا دستمایه تصمیم گیری شده و در وقایع چالش برانگیز با سرنوشت کسانی بازی کند. ایفای نقش شاهد عینی، موقعیتی برای خودنمایی و هیاهو بازی نیست. شاهدان عینی باید راوی صادق رویدادها بوده و از سوگیری در بیان واقعیات بطور جد پرهیز کنند. (منبع: مطالعات ارتباطات و رسانه).